

تہمت‌های ناجوانمردانہ

مسیحیان

روزی بایکی از جوانانی که تازه از اروپا مراجعت کرده بود برخورد کردم؛ در ضمن صحبت سخنانی از وضع دین در اروپا بمیان آمد. وی میگفت: راستی مادر اروپا حرفهایی راجع باسلام می شنیدیم که برای ما مسلمانان تازگی داشت. اروپائیان درمقابل ایرادها پیرستش خدای سه گانه، می گفتند که این امر منحصر بمانیست بلکه مسلمانان هم بخدای سه گانه بلکه پنج گانه قائلند!

آیا ما از اسلام بی خبریم یا اسلام از این حرفها بی خبر است؟ در پاسخ باو گفتم: هم شما از اسلام بی خبرید، وهم اسلام از این حرفها! آری اینها و نظائر آن يك سلسله تہمت هائی است که به تصدیق «مستشرقین» بدست خود آنها باسلام زده شده است.

از کجا شروع کرده اند؟

هنوز ۵ قرن تمام از بدو پیدایش اسلام نگذشته بود که جنگهای خونین واسف بار صلیبی آنہم جنایات را بر پیکر اسلام وارد آورد تا آنجا کہ در ۲۳ شعبان سال ۴۹۲ هجری در مسجد اقصی در شهر (قدس) هفتاد هزار نفر از مسلمانها بدست لشکر اروپا کشته شد و در همین روز بود کہ عدہ زیادی از علماء و نیکان بخاک و خون کشیده شدند و تمام قندیلہای قیمتی مسجد بشارت برده شد. بہر حال اگرچہ بحسب ظاہر جنگهای صلیبی در اوائل قرن ہفتم پایان یافت و دوبارہ بیت المقدس بدست مسلمانها افتاد ولی گردانندگان این صحنہ بہ نتیجہ منظور

نظر خود در این جریان رسیدند (۱).

مقصود اصلی چه بود ؟

دنیادیدگان و کهنه کارهای عالم مسیحیت که از ابتداء پیدایش دیانت مقدس اسلام و انتشار تعالیم راقیه و همگان پسند آن دنیا پرستی و ریاست ظاہری خود را در مخاطره دیدند ب فکر چاره افتاده شب و روز برای بی اطلاع گذاشتن مسیحیان از مذهب جدید کوشیدند ولی پیشرفت برق آسای اسلام در اروپا درست مانند سرطان خطرناکی بر تمام اغراض کشیش‌ها پنجه افکند؛ و قبل از آنکه چاره اندیشی علماء مسیحیت به نتیجه رسد کار از دست آنها خارج شده، و ممالکی که بدست لشکر اسلام فتح شده بود، روز بروز بر قدرت استقلال و عظمت خود می افزود، چیزی نمانده بود که تمام ممالک اروپا را پرتو خورشید آئین جدید در بر گیرد اینجا بود که دشمنان نقشه تازه ای کشیده مقدمات جنگهای صلیبی را فراهم کردند مسیحیان از همین مقدمات بیشتر از آنچه از ذی المقدمه یعنی جنگهای صلیبی نتیجه گرفتند استفاده کردند بلکه در حقیقت منظور اصلی آنها همان بود که برای ایجاد صحنه های خونین جنگهای صلیبی بصورت مقدمات در آوردند.

زیر آنها چیزی که میتوانست سد محکمی برای جلوگیری از انتشار و ترویج حقایق همگان پسند دین اسلام در اروپا باشد، همان نسبت دادن یک سلسله مطالب خرافی و بی اساس بدین مقدس اسلام بود و با این تہمتها از پیشرفت اسلام جلوگیری کردند؛ کما اینکه یگانه مروج و مبلغ حقیقی برای انتشار دین اسلام همان ترویج احکام واقعی و محکم و غیر مخلوط بخرافات و مجمولات است.

توضیح مطلب:

کشیش‌ها فهمیده بودند که اگر آئین اسلام بدون هیچگونه آلودگی بخرافات و مطالب غیر قابل قبول در دنیای اروپا بلکه در هر اجتماع متقدمی رخنه کند دیگر جایی برای سایر مذاهب باقی نخواهد گذاشت لذا برای جلوگیری از این خطر احتمالی مشغول ترویج یک سلسله تہمت های ناروا و داخل نمودن یک مشت خرافات بی اساس در مبانی دیانت اسلام شدند، اینگونه تہمت‌ها علاوه بر آنکه سبب شد که مقدمات شرکت آنها را در جنگهای صلیبی فراهم سازد؛ توانست منظور کشیش‌ها را بهتر از آنچه در جنگها نتیجه گرفتند تأمین کند زیرا منظور آنها از جنگهای صلیبی بحسب ظاهر اشغال بیت المقدس و در واقع نابود کردن

ارکان اسلام بود و در واقع سازنده این تهمت‌ها و خرافات نقشه‌را چنان زیبا طرح کرده بود که بهترین عامل مخرب پایه‌های محکم دین است اسلام خصوصاً مبانی توحیدی آن گردید و بهترین سد راه ترویج حقایق آن از کار درآمد چنانچه هنوز هم جوانان ما را که سالیان دراز مبانی توحیدی اسلام را شنیده اند؛ دچار تردید و وسوسه میکند

مشرق مسیحی چه نوشته است ؟

در این جا برای شواهد آنچه تا بحال گفته شد لازمست چند جمله از کتاب معروف «گنت هنری دو کاستری» فرانسوی را که آقای «احمد فتحی زغلول پاشا» ترجمه کرده اند نقل کنیم :

۱- گنت هنری بعد از اینکه مباحثه خود را بایکی از اهل علم مسلمان نقل میکند میگوید: او بمن به نظریکنفر بت پرست نگاه می کرد برای اینکه معتقد بود که اعتقاد به تثلیث (خدای سه گانه) که مسیحیان دارند بت پرستی است، ولی من میدانم مسلمین چه خواهند گفت اگر قصه‌های قرون وسطی را بدانند و آنچه را که در سرودهای سخن‌سرایان مسیحیان است بفهمند ؟

۲- تمام سرودها حتی سرودهایی که قبل از قرن دوازدهم ظاهر شده همه از روی يك فكر است؛ که منشأ جنگ‌های صلیبی گردیده و تمام آنها پراز کینه و رزی بمسلمین است؛ و نتیجه این سرودها نابت ماندن و ریشه کردن این قصه‌ها است در افکار و اذهان مسیحیان. در این سرودها تهمت‌هایی بمسلمانان زده شده و افتراهای عجیبی بسته شده است این تهمتها و افتراها باندازه‌ای بزرگ و سنگین است که قلم از نقل کردن آنها شرم دارد؛ این تهمتها باندازه‌ای زننده است که شاید کسی که سابقه ذهنی باین گونه مطالب ندارد اصلاً باور نکند ولی ما برای اینکه معلوم باشد که روح تعصب و غرض ورزی آدمی را تا چه حد از حقیقت منحرف میسازد ناچار مقداری از آنها را نقل میکنیم: در قرون وسطی هر کس سرودی گفته مسلمانان را مشرک و بت پرست قلمداد کرده است میگویند: مسلمانان سه خدا قائلند بترتیب درجات «ماهوم» که آنرا با فومید و ماهومند نیز گویند و آن محمد است؛ بعد از آن «ابلیس» و بعد «ترفاجان».

تهمت‌های عجیب دیگر (بخوانید و بخندید یا گریه کنید!)

میگویند محمد دین خود را با ادعای الوهیت وضع کرده؛ و از غرائب آنستکه محمد که دشمن بتها و هلاک کننده آنهاست، باو نسبت میدهند که «بتی را از طلا برای خود

درست کرده و مردم را عبادت خود دعوت کرده است :

دروغ بردازی دیگر که انسان را غرق در حیرت میکند اینست که میگویند : وقتی اهل فرنگ بر مسلمانان غلبه کردند و تا حصار سر قسطه آنها را راندند مسلمانان رفتند بطرف بتها و آنها را درهم شکستند ؛ یکی از آنها میگوید : «ابلین» خدای مسلمین در غاری بود مسلمین بعد از مغلوبیت آنرا سنگباران کردند و فحش و ناسزای زیاد باو گفتند و دستهای او را قطع کردند و در زیر پالگد می کردند ؛ و اما « ماهوم » رادریک گودالی انداخته و گذاشتند سگها و خوکها بر آن راه بروند و این نوع اهانت نابحال بیچ خدای نرسیده بودا ۳ - «ریشار» هم در سرودهای خود تهمت های بزرگی بر مسلمانان زده است و در ضمن سرود خود از خدا خواسته است که مسلمین را که عبادت صورت « ماهوم » میکنند ؛ ضعیف گرداند آنگاه اشراف را بجنگ مقدس ترغیب میکند و نصیحت میکند که بتهای مسلمین را سرنگون کنند ؛

۴ - هر کس توصیف صورت «ماهوم» را در سرودهای «رولان» به بیند ممکن است قسم بخورد که این شاعر آنچه را توصیف کرده باالعیان مشاهده کرده، میگوید : تمام صورت « ماهوم » از طلا و نقره است .

اگر آنرا به بینید یقین میکنید که ممکن نیست عقل بهتر از آن تصور کند . دارای هیکی بزرگ و ساختمان بسیار زیبا است ماهوم از طلا و نقره است برکش چشمها را خیر میکند بر بالای فیلی نشانیده شده است که از بهترین مصنوعات است شکمش خالی است و از میان آن روشنائی دیده میشود .

۵ - بعضی از مسیحیین با اندازه ای از راه انصاف و حقیقت منحرف شده و اسناد ناروا بر مسلمانها داده اند که بت «ماهوم» را علامت مسلمانی قرار داده اند چنانچه صلیب علامت دین مسیحی میباشد .

۶ - «بودان» در سرودی که درباره « کنتس بونیتو » گفته است دروغ بردازی عجیبی کرده است وی میگوید « کنتس بونیتو » وقتی که میخواست در پیش صلاح الدین مسلمان شود حکایت میکند که « بونیتو » گفت : میخواهم محمد را عبادت کنم او را پیش من بیاورید وقتی حاضر شد بر زمین افتاد و سجده کرد .

۷ - از سرودهای دیگری که ظاهر ابرای تمجیم سرودهای بودان ساخته شده اینطور استنباط میشود که برای مسلمین غیر از خداهائی که ذکر شد دو خدای دیگر است یکی «مارتوان»

دیگری «جوین» الا اینکه سه‌خدای اولست ریاست دارند .

۸ - حتی آنها بیکه بغیال خودشان میخواستند با انصاف حرف بزنند باز میبینیم کتاب‌های آنها پر از خرافات و قصه‌های بی اصل و مملو از طعن و شتم نسبت به پیغمبر مسلمین است .

۹ - تمصب مصلحین (مراد پروتستان است در ایامی که برای اصلاح دین مسیحی دعوت میکردند) برضد پیغمبر بیش از سایرین بوده «بیلیاندر» اصرار دارد محمدا را شیطان تشبیه کند !

۱۰ - «ریلان» در کتابی تحت عنوان : «سبب اینکه عموم مردم از دین محمد جز مقدار کمی آگاه نیستند چیست ؟» میگوید اگر اهل تحقیق بخواهند بمندهبی یا مسلکی لکه عار و ننگ بچسبانند آن را نسبت به محمد میدهند، میگویند منهدب محمدی !

۱۱ - «دن مارتینو الفونس تیکالدو» کشیش معروف در کتاب «چراغ زرین کلیسای مقدس» باندازه‌ای با روی انصاف گذاشته و تمصب پتخرج داده که میگوید: «قراعت کتاب محمد صلی الله علیه و آله لازم نیست بلکه باید آنرا سخریه کرد؛ و حقیر شمرد و در هر کجا دید در آتش سوخت؛ و سزاوار نیست مردم آن را نگاه دارند بجهت اینکه نگاه داشتن آن کار حیوانی است» اسمهایی که برای مسلمین در این کتب گذارده اند عبارتست از نفهمها - تنبلها - خرها - خرهای وحشی - اشخاص مبفوض که شب منزل را پر از زن میکنند و روز طلاق میدهند ؛ (راستی آفرین بر این منطق و این فرهنگ ۱۱)

مضامین دوگاستری مسیحی

کنت هنری بعد از اینکه ده‌ها ورق از اینگونه تهمت‌ها را که ما برای اختصار از ذکر تمام آن صرف نظر کردیم نقل میکند ، میگوید : در باب این ضلالت زیاد حرف زدیم بجهت اینکه تواریخ این ضلالت را رفع نکرد. و اثر این حرف‌ها تا این ایام در اذهان باقی مانده و افکار مردم در باره پیغمبر و کتابش از این ضلالت پر شده است؛ و رؤساء روحانی عالم مسیحیت دائماً در تأیید این عقیده و جادادن آن در اذهان جدوجهد میکردند و این سیاست است که موجب شده مردم ما بدین اسلام استهزا میکنند و پاپها را از جنگ صحیح با اسلام مستثنی کرده است .

و اگر کسی از ما سؤال کند که آیا کسانی که این سرودها را گفته اند بصحت حرفهای خود معتقد بودند یا نه ؟ ما جواب میدیم: «نه ! بله» بجهت اینکه معاشر تیکه مسیحیان با مسلمین

داشتند شناختن حقیقت دین محمد را برای این اشخاص سهل کرده بود . لکن مقصود آنها در سرود هاشان بیان حقائق تاریخی نبوده بلکه مقصود این بوده که روح عداوت و دشمنی را در نفوس قوم خود نگاهدارند ، و باینجهت محتاج بودند نسبت بمسلمین و پیغمبر و دین آنها اوصافی ذکر کنند که در نفوس مردم باندازه معرفت و میل آنها اثر کند .

این بود نظریهٔ يك مستشرق مسیحی در رفتار علماء مذهب عیسوی با احکام و عقائد اسلامی . ما امیدواریم که مجلهٔ وزین « مکتب اسلام » هرچه زودتر بتواند به نشریهٔ خود بزبان خارجی اقدام کند تا افراد حق طلب مقیم خارج هم زودتر بر تعالیم عالیة دیانت اسلام و نهت های ناروای مغرضین واقف شوند ، و اینگونه خرافات و قفهدرکاریشروی اسلام در اروپا حاصل نسازد .

توجه فرمائید

بسیاری از خوانندگان محترم که در وسط سال مشترك شده اند برای تکمیل دورهٔ مجله خود تقاضای شماره های اول امسال را نموده اند، چون متأسفانه شماره های ۱ تا ۵ بکلی تمام شده نمیتوانیم پاسخ فوری بتقاضای آنها بدهیم .

اما مطمئن باشند پس از انتشار این شماره و قبل از انتشار شمارهٔ اول سال سوم که فرصت کوتاهی در دست است بتجدید چاپ آنها اقدام کرده و منظور ایشان را بزودی عملی میسازیم .